

## پژوهش‌های معاصر در فقه حکومت حجت‌الاسلام دکتر حسین جوان‌آراسته<sup>۱</sup>

### چکیده

غرض از این گفتار، تصویر و نمایی کلی از آثاری در حوزه فقه سیاسی بین دانشمندان شیعه و اهل سنت است. استاد در ابتدا به مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی فقه سیاست پرداخته است و سپس به حقوق کار که ذیل حقوق عمومی و با ماهیت امره دولت قرار دارد، اشاره می‌کند. سپس ایشان به دو رویکرد مهم در حوزه پژوهش‌های فقه حکومتی و یا سیاسی می‌پردازد: نگاه فردگرایانه به فقه و نگاه اجتماعی و حکومتی. امام خمینی، نگاه دوم را مطرح می‌کنند. امام می‌فرمودند که فقه، تئوری واقعی اداره انسان از گهواره تا گور است و همه ابواب فقه، فلسفه عملی حکومت است.

از میان اهل سنت به آثار توفیق محمد شافی، عبدالرزاق سنهوری و یوسف قرضاوی اشاره شده و از میان شیعه هم به مرحوم نائینی، آیت‌الله محمد مهدی آصفی، آیت‌الله سید کاظم حائری، آیت‌الله جوادی‌آملی و عمید زنجانی و آیت‌الله منتظری، کدیور، محسن اراکی، کعبی، سروش محلاتی و آقای روح‌الله شریعتی.

اگر به نگاه سکولار و جدایی دین از سیاست بخواهیم نمونه بیاوریم باید از اهل سنت به دکتر علی عبدالرازق و از شیعه به آقای مهدی حائری‌یزدی اشاره کنیم.

---

1. این گفتار توسط آقای امیر محمدیان استناددهی شده است. برای آشنایی با سخنان رک: پایان نشست.

بسم الله الرحمن الرحيم.

این جلسه به پژوهش‌های معاصر در فقه دولت اختصاص دارد. وقتی می‌گوییم دانشمندان اسلامی طبیعتاً اعم از دانشمندان شیعی و دانشمندان سنی است، آنهایی که در این حوزه وارد شده‌اند و بحث کرده‌اند و آثاری از خودشان به‌جای گذاشته‌اند و موضوعی را مطرح کرده‌اند و من این بحث را در چند قسمت ارائه می‌کنم.

### مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی فقه سیاست

اول، بحث مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی فقه سیاست است. طبیعتاً وقتی می‌گوییم فقه سیاسی یا بعضی تعبیر می‌کنند فقه سیاست که دقیق‌تر است، این به چه معنا است و عناوین مشابهی که در کنار این عنوان ذکر می‌شود چه هستند.

در یک معنایی از فقه سیاست اشاره شده که: نگرش به مسایل و موضوعات سیاسی از منظر فقه، موضوع فقه سیاسی است.<sup>۲</sup> یعنی شما به موضوعات و مسایل سیاسی از منظر فقهی نگاه می‌کنیم و فقه سیاسی، گستره فقه را در ابعاد اجتماعی و سیاسی مطرح می‌کند. در برخی از تعابیر بعضی قایل به این هستند که اگر با تعبیر به فقه اجتماعی بکنیم بهتر از تعبیر فقه سیاسی است و می‌گویند فقه اجتماعی یک قلمرو گسترده‌تری را شامل می‌شود و وقتی گفتیم فقه اجتماعی، فقه اقتصادی، فقه سیاسی، فقه قضایی و همه اینها در درون فقه‌الاجتماع<sup>۳</sup> است. تعابیر دیگری هم مطرح شده مثلاً فقه‌الخلافة<sup>۴</sup>، فقه‌الدولة<sup>۵</sup> و تعبیر فقه‌الشورا والاستشارة<sup>۶</sup> و ما با این عنوان کتاب هم داریم.

درواقع آثار دانشمندان و فقها و فضلاء معاصر ناظر به این تعابیر است و آثار این افراد تعابیر مختلف را دارد. شما همین تعابیر فقه‌الاداره، فقه‌الخلافة، فقه‌الشورا، فقه‌الدولة و الاستشارة را می‌بینید. من تصور خودم این است که از مجموعه اینها اگر تعبیر فقه‌الدولة را به کار ببریم تعبیر دقیق‌تری از این

---

2. برای مطالعه بیشتر رک: فقه سیاسی اسلام، ابوالفضل شکوری، قم، نشر حر، ۱۳۶۱، دو جلد؛ فقه سیاسی، عباسعلی عمیدزنجانی، تهران، امیرکبیر، 1384، دوره 10 ج؛ نقد نگرش‌های حداقلی در فقه سیاسی، سیدسجاد ایزدهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲؛ فقه سیاسی و جمهوری اسلامی، کمال اکبری، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1392.

3. فقه الاجتماع، محمد الحسینی الشیرازی، قم، دارالقرآن الحکیم، ۱۳۷۹؛ فقه الاجتماع السياسي، کاظم قاضی‌زاده و دیگران، بیروت، مرکز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی، ۱۳۸۹.

4. فقه الخلافة و تطورها، عبدالرزاق احمد السنهوری، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۳۷۲.

5. فقه الدولة: بحث مقارن فی الدولة و نظام الحکم علی ضوء الكتاب والسنة والانظمة الوضعية، فاضل صفار، قم، دارالانصار، ۱۳۸۴.

6. فقه الشوری والاستشارة، توفیق الشاوی، دار الوفاء للطباعة والنشر.

عناوین مشابه است. یعنی به جای فقه سیاست، فقه الاجتماع و تعابیر دیگر، از این تعبیر (فقه الدوله) استفاده کنیم و برخی از فقهای ما چه فقهای شیعی و چه فقهای اهل سنت تعبیر فقه دولت را به کار بردند.

مثلاً ببینید، مرحوم آقای منتظری این مجموعه چهارجلدی خود را تحت عنوان *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه دولة الاسلامیه*<sup>7</sup> نامیدند و در بین علمای اهل سنت هم مثلاً آقای یوسف قرضاوی کتابی که دارد از این تعبیر استفاده کرده که ما در بخش نویسندگان و پژوهش‌های فقهی این کتاب‌ها را فهرست خواهیم کرد.

فارغ از تعریفی که ما برای فقه سیاست و یا فقه دولت می‌کنیم، آن نکته‌ای که قابل تأمل هست این است که رویکرد به فقه سیاست و یا فقه دولت چه رویکردی است؟ گاهی که شما می‌گویید فقه سیاست و یا فقه حکومت، می‌گویید این فقه سیاسی و یا فقه حکومتی یک بخشی از فقه است. بخشی از فقه، فقه فردی است؛ مثلاً ابواب صلاة و صوم و طهارت و نجاست و امثال اینها فقه فردی است. اما یک مجموعه‌ای از ابواب و کتاب‌های فقهی که در تقسیم‌بندی اگر بخواهد تقسیم‌بندی شود می‌گوییم این قسم مثلاً فقه حکومتی است. مثلاً *فقه القضاء* و یا مثلاً *کتاب الجهاد* و *کتاب امر به معروف و نهی از منکر*<sup>8</sup> و تعدادی دیگر، فقه حکومتی است که این یک نگاه است.

#### رویکرد حکومتی به فقه

و یک نگاه دیگر که نگاه دقیق‌تری است و شاید اصلاً بگوییم نگاه دقیق این است و آن تقسیم‌بندی قبلی اصلاً درست نیست، آن نگاه و رویکرد می‌گوید فقه حکومتی بخشی از فقه نیست و وصفی برای قسمت‌هایی از فقه نیست؛ بلکه فقه حکومتی<sup>9</sup> می‌تواند وصفی برای تمام مسایل فقهی باشد.

به عبارت دیگر وقتی به کتاب‌های فقه و به موضوعات فقهی نگاه می‌کنید می‌تواند از ابتدا تا انتهای فقه، رویکرد شما فقه خصوصی و فردی باشد و می‌تواند از ابتدا تا انتها حتی نسبت به صلاة و صوم رویکردی حکومتی داشته باشیم. مثالی بزنم تا بحث را روشن کند. در این مثال از یک تقسیم‌بندی که در ابتدای جلسه قبل (نشست با عنوان: آشنایی با حقوق اساسی) داشتم کمک می‌گیرم. اگر خاطرتان باشد گفتیم یکی از تقسیمات حقوق، حقوق عمومی و حقوق خصوصی است در حقوق حقوقدان‌ها آمدند

7. *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه / لمؤلفه المنتظری*، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.

8. *کتاب الجهاد والامر بالمعروف والنهی عن المنکر*، محمد حسینی شیرازی، قم، دارالقرآن الحکیم؛ سنن النبی (ص): کتاب *الجهاد والامر بالمعروف والنهی عن المنکر* (جلد 7)، زیر نظر کاظم مدیرشانه‌چی، قسم حدیث فی مجمع البحوث الاسلامیه، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1390.

9. *فقه حکومتی*، مهریزی، مهدی، فصلنامه تقدونظر، ش 12.

کار خود را راحت کردند و گفتند که در مسایل حقوقی اگر یکی از طرف رابطه دولت نبود، آن حقوق خصوصی می‌شود.

از آن طرف بسیاری حقوقدان‌های ما آمدند یک علامت سؤال مهم جلوی حقوق خصوصی گذاشتند و گفتند وقتی ما تأمل می‌کنیم می‌بینیم دخالت فزاینده و روزافزون دولت‌ها در همان حیطة روابط خصوصی افراد به‌گونه‌ای است که اصلاً این شک و شبهه را ایجاد کرده که اصلاً برای ما چیزی از حقوق خصوصی باقی مانده است یا نه؟! مثلاً شما ببینید عقد نکاح که در حقوق خصوصی تعریف می‌شود؛ اما همین چیزی که رابطه بین حسن و مهین‌خانم هست که ازدواج می‌کنند و یک رابطه خصوصی است آن قدر دولت، قانون برای آن دارد و قواعد آمره‌ای وضع می‌کند که از آن تخلف نمی‌شود. مثلاً می‌گوید شما که می‌خواهید ازدواج کنید مسلمان هستید و با کافر نمی‌توانید ازدواج کنید و می‌گوید شما باید ازدواج خود را ثبت کنید و اگر این کار را نکنید زندانی خواهید شد.

این مسایل در فقه که نیست بلکه در حقوق آمده و الآن هم هست. مثلاً اجازه ازدواج مجدد را داده است و ما هم اجازه می‌دهیم ولی اگر می‌خواهی ازدواج مجدد کنی باید اجازه ازدواج مجدد را از همسر قبلی خود بگیری و بعد ازدواج کنی و دائماً دولت دارد در همین حوزه کاملاً خصوصی دخالت می‌کند. این یک نمونه بود و من یک مورد بسیار روشنش را عرض کردم.

اما در فقه حکومت، موردی که عرض می‌کنم موردی است که حقوق و فقه کاملاً در کنار هم قرار گرفتند. بالأخره ما چون حقوق‌مان برگرفته از اسلام است این تعامل را با هم دارند. شما در فقه، عقد اجاره را دارید و همین عقد اجاره را به اجاره اشیاء و اجاره اشخاص تقسیم کردید. اجاره اشیاء این است که شما مثلاً اتومبیل خود را کرایه می‌دهید و یا منزل خود را اجاره می‌دهید که قانون موجر و مستأجر بر آن حاکم است. شما این کامپیوتر را یک ماه اجاره می‌دهید و مثلاً یک هزینه‌ای را می‌گیرید. این در مورد اجاره اشیاء است. اما اجاره اشخاص هم هست مانند شاگرد مغازه که این دارد در واقع نیروی خودش را اجاره می‌دهد و یا این کارگران روزمزد ساختمانی و یا کارگرانی که در کارخانه دارند کار می‌کنند که اینها هم اجاره است. یعنی اجرتی را فرد در ازای کاری که انجام می‌دهد می‌گیرد. در قانون مدنی ما، برگرفته از فقه اسلامی هر دو نوع این اجاره را که زیرمجموعه حقوق خصوصی است را داریم که متخذ از همین مباحث فقهی است.

س: آیا این شرایط که افزوده شده برگرفته از مسایل اسلامی است؟

استاد: نه! این دخالت دولت است و به‌خاطر مصالح اجتماعی است که این اجازه را به دولت می‌دهند که بیاید در اینجاها به‌خاطر نظم اجتماعی این ملاحظات را وضع کند. دولت‌ها وقتی امور نظم و منفعت اجتماعی را ملاحظه می‌کند براساس آن سروکله‌اش پیدا می‌شود. وقتی سروکله دولت پیدا شد عملاً چیزی را که در حوزه حقوق خصوصی است و دولت نباید دخالت می‌کرد را مورد دخالت قرار می‌دهد. الآن در مسئله اجاره آمده دخالت می‌کند و این دخالت از زمانی پیدا شد که ماشین و

صنعت پیدا شد، کارخانه تولید شد و به جای اینکه یک کارگاهی باشد که سه تا چهار کارگر داشته باشد یک‌دفعه دارای 30 هزار کارگر شد و یا حتی بیشتر و روابط بین کارگر و کارفرما در وضعیت امروز اساساً قابل‌مقایسه با گذشته که یک کارگر ساختمانی با صاحب‌کار خود کار می‌کرد، نیست.

### حقوق کار

بنابراین کم‌کم یک شاخه حقوقی در دنیا به نام «حقوق کار»<sup>۱۰</sup> به وجود آمد. وقتی این شاخه تشکیل شد، آمدند گفتند حقوق کار در ذیل حقوق خصوصی نیست؛ بلکه یکی از شاخه‌های حقوق عمومی می‌باشد و ماهیت آن اصلاً متفاوت شد. و اینجا این دولت است که تعیین می‌کند و می‌گوید برای سال فلان حداقل مزد یک کارگر مثلاً از 800 هزار تومان کمتر نباید باشد.

قواعد حقوق عمومی از سنخ قواعد آمره است و آن قاعده‌ای است که طرفین حقوقی نمی‌توانند توافق برخلاف آن انجام دهند و حق این کار را ندارند. یعنی الآن چون بازار کار نیست مثلاً چون من کار پیدا نمی‌کنم بروم یک کارفرما را ببینم و بگویم مثلاً شما چقدر مزد می‌دهی، بگویم مثلاً 500 هزار تومان و او بگوید من حاضرم 200 هزار تومان کار کنم، بگویم مثلاً چند ساعت باید کار کنم و کارفرما می‌گوید 8 ساعت که او می‌گوید من حاضرم 10 ساعت کار کنم. یعنی چون کار ندارم حاضرم با این حقوق و این مقدار ساعت کار کنم.

اما دولت می‌گوید حق ندارید چنین کاری کنید! اگرچه خودشان راضی باشند که چنین کنند. چون قاعده، یک قاعده آمره می‌باشد؛ درحالی‌که در حقوق خصوصی رضایت طرفین ملاک است. بنابراین یک ماه مرخصی با حقوق باید بدهی و اگر کارگر تو زن باشد برای اولین زایمان او باید چهار ماه مرخصی با حقوق به او بدهی و باید اینجا برای شیردادن بچه هر دو ساعت یک‌بار جایی را مشخص بکنی. باید آنها را بیمه بکنید و همه این موارد الزام است که به نفع کارگر و علیه کارفرما است.

جالب است بدانید اولین اختلافاتی که در جمهوری اسلامی ایران بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به وجود آمد و آن قدر این اختلافات دامنه‌دار شد تا زمانی که امام مجبور شدند مجمع تشخیص مصلحت نظام را تدوین بکنند، همین حقوق کار بود. دولت، لایحه کار را تقدیم مجلس کرد و لایحه به مجلس رفت و مجلس تصویب کرد و آن را به شورای نگهبان فرستادند و شورای نگهبان به این مسئله به‌عنوان یک عقد اجاره نگاه می‌کرد که در فقه نیز به همین صورت است که به‌صورت خصوصی به این مسئله نگاه می‌شود. فکر می‌کنم شاید تا 70 اشکال شرعی به این لایحه گرفته شد؛ اما امام فقهای شورای نگهبان را نصیحت کردند که در میان آنها افرادی نظیر حضرت آیت‌الله صافی (دبیر

---

10. برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمود براتی‌نیا، دیدگاه‌های نو در حقوق کار، تهران، فکرسازان، 1382؛ عزت‌الله عراقی، حقوق کار، تهران، سمت، 1381؛ ابوالفضل رنجبری، حقوق کار، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، 1377؛ غلامرضا موحدیان، حقوق کار (علمی- کاربردی)، تهران، فکرسازان، 1381؛ جعفر نیایی، حقوق کار ایران، تهران، چاپ خرمی، 1361؛ سید احمد احمدی، حقوق کار، تهران، نشر حقوقدان، 1381.

وقت شورای نگهبان) بودند و بزرگانی دیگر از فقها که در آن زمان در این مجلس بودند که امام ایشان را توصیه کردند و امام نگاهشان به فقه، فقه حکومتی بود و اینکه عرض کردم به این مباحثی که در ظاهر فقه خصوصی است اما امام می فرمود که شما نباید کاری بکنید که دولت اسلامی متهم شود که به بن بست می رسد.

### دوگانه فقه فردی و فقه اجتماعی

ما این تقسیم بندی را در فقه به معنای خاص آن نداریم و تقسیم بندی ابواب فقهی، یک تقسیم بندی خاصی است که آن را می بینیم. بنابراین این دو رویکرد بسیار مهم است.

در حوزه پژوهش هایی که در فقه حکومتی و یا سیاسی می بینیم، یک نگاه این است که می گوید مثلاً بخشی از مباحث فقهی مباحث فقه فردی است و بخشی از مباحث نیز اجتماعی و یا حکومتی است که این یک نگاه است. این رویکرد می خواهد بگوید که همان مباحثی را که طلاب در حوزه های مرسوم و در کتاب ها می خوانید همان ها هم می تواند با نگاه فقه حکومتی به آن نگریسته شود و اگر با این نگاه شما بروید شاید احکام متفاوتی را یک فقیه بتواند استنباط بکند یعنی در استنباط فقهی خودش در اینجا یک نظر متفاوتی بدهد نسبت به آن زمانی که نگاهش نگاه فقه فردی و شخصی است و این نکته ای است که من خواستم به آن اشاره بکنم.

مثلاً ببینید خود حضرت امام رضوان الله تعالی علیه یک این چنین نگاهی را مطرح می کنند. مثلاً حضرت امام می فرمودند که فقه، تئوری واقعی اداره انسان از گهواره تا گور است و همه ابواب فقه، فلسفه عملی حکومت است.<sup>۱۱</sup> شما وقتی که نگاه می کنید در بحث صلاه، بحث نماز جمعه را دارید، امام جمعه را باید والی و امام مسلمین نصب بکند. البته این به این معنا نیست که ریزترین مباحث فقهی جنبه حکومتی پیدا بکند ولی نگاه کلی مورد توجه است که در این نگاه این مسئله حکومت مورد توجه قرار بگیرد. برخی از فقهای دیگر هم به همین مسئله متفطن شده اند. ببینید این تعبیر آیت الله بروجردی است که می گوید:

«لا یقی شک لمن تتبع قوانین الاسلام و ضوابطه فی أنه دین سیاسی و اجتماعی و لیست احکامه مقصورة علی عباداة المحضة المشرعه لتکمیل الافراد و تضمین سعادة الاخرة فقط بل یكون اکثر احکامه مرتبطة بسیاسة المدن و تنظیم الاجتماع.»<sup>۱۲</sup>

محمد مهدی شمس الدین که از فقهای لبنانی است تعبیرش این است که:

«إن الفقهاء والأصولیین القدماء انطلقوا فی تعاملهم مع القرآن باعتباره مصدراً للتشريع من خلل او ضیق فی الروية المنهجية جعلتهم یرون فقط آیات الاحکام المباشرة التي يتعاطونها وهي ما يتصل بفقه الافراد.»<sup>۱۳</sup>

11. منشور سوم انقلاب امام خمینی خطاب به روحانیون، سوم اسفند 1367.

12. سیدحسین بروجردی، البدر الزاهر فی صلاه الجمعة و المسافر، تقریر حسینعلی منتظری، قم: مکتب آیت الله منتظری،

1375، ص 52.

ایشان می‌گوید فقها و اصولیان ما در تعاملی که با قرآن داشتند همان قرآنی که مصدر و منبع تشریح و قانون‌گذاری است اینها نگاه ضیق و تنگی در ارتباط با قرآن قرار دادند و آیات‌الاحکام را فقط مواردی می‌دانند که ناظر به فقه فردی است و این قدر تنگ به قرآن نگاه دارند که در ادامه می‌گوید:

«ما يتصل بفقهاء الافراد، عبادات الافراد، تجارة الفرد، جريمة الفرد، الاسرة، لا اعرف لماذا غفلوا عن البعد التشريعي للمجتمع و للأمة في المجال السياسي والتنظيمي و للعلاقات الداخلية في المجتمع و علاقات المجتمع مع المجتمعات الاخرى غير المسئلة لادري و لعل البداية عصر التدوين الفقهي صادفة الانفصال الكامل بين القيادة السياسية للمسلمين و بين جانب الشريعي للمسلمين.»<sup>14</sup>

ایشان می‌گوید من نمی‌دانم چرا فقها از آن بُعد قانون‌گذاری اجتماعی غافل شدند. یعنی وقتی آیات‌الاحکام را استخراج می‌کنند، آنها را محصور در این دیدند و نرفتند سراغ آیات‌الاحکامی که ناظر و تبیین‌گر احکام اجتماعی است و مراودات این دولت با دولت‌های دیگر غیر اسلامی است.

همچنین تعبیری از حضرت امام هست که جالب است و این همان چیزی است که در مورد فقه فردی است. اما امام می‌گوید این راه دیگری داشته گرچه راهش را مطرح نمی‌کند. ایشان در جایی می‌گوید که طریق احتیاط این است که زوج را با نصیحت و إلا با الزام و ادار به طلاق کرد و در صورت میسر نشدن به اذن حاکم شرع، طلاق داده شود<sup>15</sup> و اگر جرئت بود مطلب دیگر است که آسان‌تر است. این حرف را امام در مورد چیزی می‌گوید که کاملاً فقه خصوصی فردی است. امام در نامه‌ای که نمی‌دانم خطاب به آیت‌الله صافی است<sup>16</sup> یا آیت‌الله قدیری، درباره همین بحث‌هایی که در مورد اختلافات شورای نگهبان است، بحث ولایت مطلقه را مطرح کردند. آن شخصیت، نامه نوشت و از امام گلایه کرد که این چیزی که شما گفتید لازمه‌اش از بین رفتن عقود اسلامی است؛ اما امام این نکته را مطرح می‌کنند (قریب به این مضمون)، من که چنین چیزی نگفتم که این‌طور بشود؛ ولی اگر این‌گونه بشود این از اختیارات حاکم اسلامی است که همین عقود اسلامی را زمانی که مصلحت ایجاب بکند برای مصلحت جامعه اسلامی، به کناری بگذارد.

### پژوهش‌هایی در فقه حکومت

در اینجا اشاره می‌کنم به پژوهش‌هایی که در این حوزه صورت گرفته است. ببینید در مورد نویسندگانی که در این حوزه فقه حکومت و دولت مباحثی را مطرح کردند. هم از نویسندگان و بزرگان فقهای شیعه داریم و هم از فقهای سنی.

---

13. الشيخ محمد مهدی شمس‌الدین، الاجتهاد والتقليد، المؤسسة الدولية للدراسات والنشر بیروت، طأولی، 1998؛ محمد

الحسینی، الاجتهاد والحیة، حوار علی الورق، نشر مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة بیروت، طأولی، 1996، ص 12.

14. محمد الحسینی، الاجتهاد والحیة، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة، 1417ق، چ دوم، ص 12.

15. امام خمینی، صحیفه نور، ج 10، ص 407.

16. نامه به آیت‌الله صافی: کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی / مصاحبه‌های علمی، ج 10، ص 13.

در ابتدا آثار فقها و مراجع را ذکر می‌کنم و بعد آثاری را که فضلا دارند بیان می‌کنم. البته قبل از شیعه کتاب‌های اهل سنت را عرض می‌کنم. این کتاب‌هایی که عرض می‌کنم هم دارای نگاه مثبت و هم دارای نگاه منفی به این موضع است؛ چون برخی نگاه سکولار به این موضوع دارند. بنابراین برخی نگاه فقهی و برخی نگاه سیاسی به این موضوع دارند. برخی از نظر فقهی (برای فقه)، دخالتی را در حوزه دولت قائل نیستند. مثلاً آثار علی عبدالرازق (نویسنده مصری که قاضی هم بوده و بعد بایکوت شد) از طرف علما کتابی به نام الاسلام و اصول الحکم<sup>17</sup> نوشت. نگاه او در این کتاب یک نگاه سکولار است و تأکید او بر جدایی دین از سیاست می‌باشد.

دکتر عبدالرزاق سنهوری هم هست که کتابی تحت عنوان فقه الخلافة و تطورها<sup>18</sup> نوشته است. البته این کتاب رساله دکتری ایشان بوده و به زبان فرانسه نوشته شده و بعد توفیق محمد شافی این را به زبان عربی ترجمه کرده است. خود این آقای توفیق محمد شافی 2-3 کتاب در باب فقه حکومتی دارد که یک کتاب او اتفاقاً ناظر به انقلاب ما هم هست به نام فقه الحكومة الاسلامية بين السنة والشيعة قرائة في فكر الثورة الاسلامية.<sup>19</sup> البته برخی عنوان کتاب را بين الشيعة والسنة نوشته‌اند که اشتباه است. در این کتاب، دیدگاه‌های فقه حکومتی را مقایسه کرده و ناظر به فقه حکومتی بین فقهای شیعه و فقهای اهل سنت است. البته مباحثی را از انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های حضرت امام را همراه با اشتباهاتی آورده است. او کتاب دیگری به نام فقه الشورا والاستشارة<sup>20</sup> هم دارد.

از نویسندگان معاصر آقای یوسف قرضاوی است که مصری‌الاصول است و الآن ایشان در قطر و از علمای بسیار پرکار اهل سنت است. ایشان الآن زنده است. او قبل از این در کنفرانس‌های وحدت اسلامی شرکت می‌کرد ولی بعداً موضعش عوض شد و به سمت نگاه عربستانی رفت. گرچه وهابی‌ها با فتوایی که وی می‌دهد و با خیلی از فتاوی‌ای او سازگاری ندارند ولی به‌رحال ایشان نظرش این شد که این وحدتی که ایرانی‌ها و شیعه‌ها دائماً به سمت آن دعوت می‌کنند به ضرر ما تمام شده و به نفع خودشان است و از این گرایش به تشیع در جهان اسلام نگران شدند.

قرضاوی یک کتابی به نام من فقه الدولة في الاسلام<sup>21</sup> دارد که در آن مباحث دولت و حکومت را بررسی کرده است.

---

17. علی عبدالرازق، الاسلام و اصول الحکم، قاهره، مطبعه مصر، 1925م.

18. عبدالرزاق احمد السنهوری، فقه الخلافة و تطورها، الهيئة المصرية العامة للكتاب، 1372.

19. توفیق محمد الشاوی، فقه الحكومة الاسلامية (بين السنة والشيعة) و قراءه في فكر الثورة الايرانية، العصر الحديث، 1415ق.

20. توفیق محمد الشاوی، فقه الشورى والاستشارة، دارالوفاء، 1413ق.

21. یوسف القرضاوی، من فقه الدولة في الاسلام؛ مکاتبتها ... معالمها ... طبيعتها موقفها من الديمقراطية والتعددية والمراه و غیر المسلمین، بیروت، دارالشروق، 1419ق.

در بین معاصران شیعی که بیشتر مورد توجه ما هست و اگر از معاصرین در این صدساله اخیر بخواهیم شروع بکنیم خود مرحوم نائینی را شاید یکی از پیشتازان در این قسمت بدانیم که کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملة<sup>22</sup> را نگاشته است که در جریان انقلاب مشروطیت تئوریزه شد. در واقع مشروعیت فقهی انقلاب مشروطیت را بحث کرد.

همچنین خود حضرت امام که غیر از آن سلسله درس‌هایی که در نجف در بحث حکومت اسلامی ایراد کردند و الآن تحت عنوان ولایت فقیه یا حکومت اسلامی<sup>23</sup> منتشر شده است و دقیق‌تر و جدی‌تر از این کتاب، مباحث ولایت فقیه را در جلد دوم کتاب البیع مطرح کرده است که بسیار دقیق و فنی است. از معاصران کسانی که به صورت جدی در فقه دولت وارد شده‌اند، آیت‌الله منتظری است که یک مجموعه چهارجلدی را به نام دراسات فی ولایة الفقیة و فقه الدولة الاسلامیة دارد که نظریه انتخاب را آنجا مطرح کرده است.

از جمله کسانی که در فقه دولت پژوهش داشتند، آیت‌الله محمد مهدی آصفی است که ایشان از علمای عراق است. او کتابی به نام ولایة الامر دارد که ایشان هم گرایش به نظریه انتخاب دارد. از جمله کسانی که در این زمینه بحث خیلی دقیق و جدی کردند آیت‌الله سید کاظم حائری است ایشان از شاگردان مبرز شهید صدر رضوان‌الله تعالی علیه است که کتابی به نام ولایة الامر فی عصر الغیبة<sup>24</sup> دارد. البته ایشان کتاب‌های دیگری هم دارد اما این کتاب مهمتر است و ایشان مباحثی از کتاب آقای منتظری را نقد کرده است و بسیار مرد ملا و باسوادی است.

آیت‌الله جوادی آملی که مستحضرید کتاب ولایت فقیه و ولایت فقاہت و عدالت<sup>25</sup> در این حوزه نگاشته است و ایشان سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایی نیز در این زمینه دارند که بسیاری از شبهات را در کتاب خود مطرح کرده‌اند و آیت‌الله مصباح یزدی که کتاب ولایت فقیه<sup>26</sup> ایشان است و بگذریم از کتاب‌های دیگر که مجموعه سخنرانی‌های قبل از خطبه نماز جمعه تهران چاپ شده و برخی از مباحث مربوط به سیاست را ایشان در آنجا مطرح کرده است.

اما آیت‌الله مهدی حائری یزدی که کتابی را اوایل انقلاب منتشر کرد به نام حکمت و حکومت<sup>27</sup> که ایشان همان نگاه سکولار را به حکومت دارد. یعنی اگر شما بخواهید در بین علمای اهل سنت یک نمونه ذکر کنید همان دکتر علی عبدالرازق است و اگر در بین فقهای شیعه یک نمونه تمام‌عیار بخواهید

22. محمدحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه الملة، ج جواد ورعی، قم ۱۳۸۲ ش.

23. امام خمینی، الحکومه الاسلامیة، ولایت فقیه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

24. کاظم الحسینی الحائری، ولایة الامر فی عصر الغیبة، قم، مجمع الفکر الاسلامی، 1372.

25. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه: ولایت، فقاہت و عدالت، قم، اسراء، 1395.

26. محمدتقی مصباح یزدی، نگاہی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1382.

27. مهدی حائری یزدی، حکمت و حکومت، لندن: شادی، ۱۹۹۵ م، 1373 ش.

مطرح کنید متأسفانه آقای حائری یزدی (فرزند حاج شیخ عبدالکریم مؤسس حوزه) است. البته حاج شیخ مرتضی حائری درست نقطه مقابل ایشان بود که حتی یکی از وزنه‌های بسیار مهم مجلس خبرگان قانون اساسی بود. یعنی وزنه فقهی و علمی شیخ مرتضی حائری شاید از کسانی مثل آقای جوادی آملی، آقای مکارم‌شیرازی که اینها نیز در مجلس خبرگان قانون اساسی بودند بالاتر بود. ولی آن حرمتی که برای شیخ مرتضی قائل بودند شاید برای کسی قائل نبودند. و گاهی جایگاه ایشان را از آقای منتظری بالاتر می‌دانستند و یکی از مدافعان سرسخت اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی شیخ مرتضی حائری بودند. بعضی هم نقل کردند که وقتی این اصل تصویب شد دیگر خیلی ایشان اهمیاتی برای حضور در جلسات مجلس خبرگان نداشتند و می‌گفت آن کار اصلی انجام شده است ولی خوب در نقطه مقابل ایشان شیخ مهدی حائری یزدی است که فیلسوف نیز می‌باشد. ایشان در کتاب حکمت و حکومت اساساً و به‌طور کلی می‌گویند دین از سیاست جدا است و حتی رویکردی که دارد این است که می‌گوید شما می‌گویید ولایت‌فقیه، مگر فقیه ولایت دارد؟ اصلاً امام معصوم، ولایت سیاسی ندارد، پیغمبر خدا ولایت سیاسی ندارد که ایشان یک حرفی می‌زند که هیچ فقیهی از علمای شیعه و علمای شیعه چنین حرفی نزده است! و رویکرد ایشان سکولار محض است.

آیت‌الله شیخ محمد مؤمن از فقهای معاصر ما که ایشان نیز بحث‌های فقه سیاسی را به‌طور جدی مطرح کرده است. در بین معاصران ما از میان حوزویانی که در دانشگاه خیلی زحمت کشیدند و در فقه سیاسی مطلب دارند، شاید مهمترین آنها آقای عمید زنجانی است که کتابی با عنوان فقه سیاسی<sup>28</sup> دارد که متن درسی دانشگاه‌های ما است و یک مجموعه‌ای نیز زیر نظر ایشان با عنوان دانشنامه فقه سیاسی<sup>29</sup> داریم که ناشرش ایشان بوده است.

یک درجه پایین‌تر از این فقهای تراز اول که پایین‌تر بیاییم، آیت‌الله شیخ محسن اراکی است که ایشان هم دو سه کتاب در این زمینه دارد به نام: *الولاية الالهية و ولاية الفقيه؛ الأسس النظرية للدولة الاسلامية؛ و نظرية الحكم في الاسلام*.<sup>30</sup>

اما در بحث پژوهش‌های فقه دولت آقای محسن کدیور است که دو کتاب در این زمینه دارد: یکی نظریه‌های دولت در فقه شیعه<sup>31</sup> که ایشان آمده با آن دسته‌بندی که مدنظر خودش بوده 9 نظریه فقهی را در این کتاب شمارش کرده است که به نظر من در برخی اوقات نظریه‌سازی صورت گرفته است و این تکثر نظریه‌ها به این شکل شاید موهم این نظریه باشد که نویسنده آن ابهت ولایت مطلقه فقیه را می‌خواسته در ذهن خواننده پایین بیاورد. یعنی یک‌دفعه شما می‌گویید که این، یک نظریه در مقابل 10

28. عباسعلی عمیدزنجانی، *بایسته‌های فقه سیاسی*، تهران، مجد، 1393.

29. همو، *دانشنامه فقه سیاسی «مستمل بر واژگان فقهی و حقوق عمومی»*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

30. محسن اراکی، *الولاية الالهية و ولاية الفقيه، قم، مجمع الفکر الاسلامی*، 1371.

31. محسن کدیور، *نظریه‌های دولت در فقه شیعه*، تهران، نشر نی، 1376.

نظریه دیگر از فقها است که خوب طبیعتاً جایگاهش را از دست می‌دهد؛ درحالی‌که یک نظریه که در همان کتاب نظریه‌های دولت مطرح شده همین نظریه آقای مهدی حائری‌یزدی است، یعنی نظریه کسی که فقط قائلش خودش است که بسیار نظریه شاذ و النادر کالمعدوم است. خب، شما این نظریه را بیاورید در کنار یک نظریه که استوانه‌هایی از فقهای شیعه به آن قائل هستند می‌گویید آن یک نظریه و این نظر آقای حائری هم یک نظریه است که این خوب کاستن آن جایگاه است.

اما ایشان یک کتاب دیگر هم به نام حکومت ولایی<sup>32</sup> دارد.

در مجموعه‌هایی دیگر که از فضلالی معاصر آثار زیادی از فقه دولت و پژوهش‌هایی در این زمینه هست که فقط به نویسندگان آنها اشاره می‌کنم: آقای کعبی،<sup>33</sup> آقای سروش‌محلّاتی،<sup>34</sup> آقای قاضی‌زاده<sup>35</sup> و... یک کتاب قواعد فقه سیاسی<sup>36</sup> هم داریم که آقای روح‌الله شریعتی این کتاب را نوشته است. همچنین کتاب نظارت بر قدرت در فقه سیاسی<sup>37</sup> است که آقای ایزدهی نویسنده آن است که این مباحث را مورد توجه قرار داده است.

### برای مطالعه بیشتر

جایگاه فقه حکومتی و علوم انسانی اسلامی در منظومه علم دینی، عباسعلی مشکانی سبزواری، و مریم حسن‌پور، پویشی در علوم انسانی، پاییز و زمستان 1397، ش 1.

آسیب‌شناسی عرصه‌های تزاخم در مسائل فقه سیاسی، بشری عبدخدایی، محمدتقی فخلعی، محمدتقی قبولی، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پاییز 1397، ش 83.

چیستی کلام سیاسی، سیدسجاد ایزدهی، صدیقه صدیق‌تقی‌زاده، کلام اسلامی، پاییز 1397، ش 107.

بایسته‌های تدوین متون حقوق زنان از دیدگاه فقه حکومتی، لعیا باقریان، فقه و حقوق معاصر، بهار و تابستان 1397، ش 6.

نقش نرم‌افزاری ولایت فقیه و فقه حکومتی در ایجاد تمدن نوین اسلامی، سیداحمد خاتمی و دیگران، پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی بهار و تابستان 1397، ش 3.

---

32. همو، حکومت ولایی، تهران، نشر نی، 1378.

33. عباس کعبی، بررسی تطبیقی مفهوم ولایت مطلقه فقیه، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی ظفر، 1380.

34. محمد سروش‌محلّاتی، ولایت، در مغالطه و مصادره: سه مقاله در نسبت ولایت فقیه و حکومت، میراث اهل قلم، 1397.

35. کاظم قاضی‌زاده، ولایت فقیه و حکومت اسلامی در منظر امام خمینی رضوان‌الله، تهران: نشر کنگره، 1378.

36. روح‌الله شریعتی، قواعد فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1394.

37. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1389.

- جریان‌شناسی تطورات بیشینه‌گرایی در فقه شیعه؛ اصغر آقا مهدوی و دیگران؛ پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی پاییز و زمستان 1396، ش 11.
- روش‌شناسی فقه حکومتی، مرتضوی نژاد، سید محمد مهدی میرباقری، پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی بهار و تابستان 1396، ش 10.
- فقه حکومتی در اندیشه امام‌خمينی (ره)، هادی شاکری و دیگران؛ سپهر سیاست تابستان 1395، ش 8.
- فقه حکومتی؛ نرم‌افزار مدیریت جامعه در بستر انقلاب اسلامی، عباسعلی مشکانی سبزواری، مدیریت در اسلام، بهار و تابستان 1395، ش 29 و 30.
- اقتضائات دوران فقه حکومتی، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، مطالعات فقه معاصر، بهار و تابستان 1395، ش 1.
- بررسی و تحلیل مؤلفه‌های نظریات حوزه فقه حکومتی، علی خلف‌خانی، پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی بهار و تابستان 1395، ش 8.
- فقه اجتماعی و بایسته‌های روش‌شناسانه آن (با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله محمدجواد فاضل‌لنکرانی) محمدباقر ربانی، فقه و اجتهاد پاییز و زمستان 1394، ش 4.
- تطورات فقه حکومتی در دوران مشروطیت از منظر جامعه‌شناسی علم، علیرضا استادیان‌خانی و دیگران، فقه و حقوق معاصر، پاییز و زمستان 1394، سال اول، ش 1.
- فقه و تمدن‌سازی (ولایت فقیه و مدینه انتظار)، حسین علی سعدی، مشرق موعود، 1394، ش 34.
- امام‌خمينی و نگرش حکومتی به فقه، سید سجاد ایزدهی، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، تابستان 1394، ش 70.
- ماهیت فقه سیاسی، سید سجاد ایزدهی، حقوق اسلامی، بهار 1394، ش 44.
- آشنایی با فقه حکومتی؛ گفتگو با استاد کعبی، تا اجتهاد، بهار 1393، پیش‌شماره 10.
- فقه فردی و فقه حکومتی بایسته‌ها و کاستی‌ها، نجفعلی غلامی و منصور میراحمدی، سیاست متعالیه، بهار 1393، ش 4.
- روش‌شناسی فقه حکومتی در سپهر اندیشه فقهی - سیاسی امام‌خمينی (ره)، رضا خراسانی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، زمستان 1392، سال سوم، ش 1.

ماهیت حکم حکومتی و برآیند روش شناختی آن، محمد عرب صالحی، حقوق اسلامی، تابستان 1392، سال دهم، ش 37.

تفاوت‌های فقه فردی و حکومتی از منظر شناخت «موضوع»، «تکلیف» و «مکلف»، محمدجواد حیدری خراسانی و دیگران، پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی، بهار و تابستان 1392، ش 2.

فقه حکومتی؛ نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی، عباسعلی مشکانی سبزواری، مطالعات انقلاب اسلامی، بهار 1392، ش 32.

فقه حکومتی فرامذهبی با تحلیل قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم»، طوبی شاکری، فقه مقارن، بهار و تابستان 1392، ش 1.

فقه حکومتی؛ چپستی، چرایی، چگونگی، محمد ذوالفقاری و سید مهدی سیدیان، معرفت سیاسی، بهار و تابستان 1391، ش 7.

رویکرد حکومتی در فقه، سعید ضیائی فر، علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، بهار 1390، ش 53.

تقابل فقه و حقوق در اجرا، علی شیخ موحد، فقه و تاریخ تمدن، تابستان 1389، ش 24.

رسالت نبوی، حکمت علوی و مبانی فقه جعفری، عزت‌السادات میرخانی، فقه و حقوق خانواده، پاییز 1384، ش 39.

### آشنایی با سخنران

حجت‌الاسلام حسین جوان‌آراسته از اعضای هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و از جمله اساتید دروس حوزوی و دانشگاهی است. وی سابقه تدریس در دروس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اندیشه سیاسی اسلام، تاریخ سیاسی شیعه و... در دانشگاه و همچنین دروس اصول فقه، علوم قرآنی، تفسیر و... در حوزه‌های علمیه کشور را در کارنامه علمی خود دارد. کتب مبانی حکومت اسلامی، رهبر و رهبری و حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام از اهم تألیفات ایشان است.

### تحصیلات:

الف. تحصیلات حوزوی: حوزه علمیه خراسان سال 1356 و حوزه قم سال 1358 و درس

خارج حوزه سال 1367 و شرکت در درس خارج آیات عظام فاضل، مکارم، جوادی و...

ب. تحصیلات غیرحوزوی: کارشناسی حقوق: از سال 1374 تا 1377. (دانشگاه تهران، پردیس

قم)؛ کارشناسی ارشد حقوق عمومی از سال 1377 تا 1380 (دانشگاه تهران، پردیس قم)؛ دکترای

حقوق عمومی از سال 1383 تا سال 1387 (دانشگاه تهران، پردیس قم)

## سوابق اجرایی:

سرپرستی مدرسه علمیه شهیدین بوانات فارس به مدت 2 سال (1365-1366) مسئول آموزش  
مدرسه شهیدین قم به مدت 4 سال (1374-1378)؛ عضو تحریریه فصلنامه حکومت اسلامی مربوط  
به مجلس خبرگان به مدت 3 سال (1379-1382)؛ مسئول صفحه حوزه و دانشگاه روزنامه جمهوری  
اسلامی به مدت 1 سال (1382-1383)؛ معاون آموزش جامعه الزهرا(س) به مدت بیش از دو سال  
(1382-1384).